جلسه 179

یکشنبه 05/12/86

أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه فی الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.

بحث در فروض اربعه بود برای امر اضطراری. آثار آن را عرض می کردیم.

اثر چهارم: این است که ببینیم آیا اضطرار به سوء الاختیار در این فروض اربعه جائز است یا جائز نیست.

در این بحث اضطرار به سوء الاختیار دیگر بحث اضطرار غیر مستوعب را کنار بگذارید. چون اضطرار غیر مستوعب یعنی اضطرار غیر مستمر الی آخر الوقت. اول وقت مضطر است، در اثناء وقت آن اضطرارش مرتفع می شود. این مصداق اضطرار به سوء الاختیار نیست. اضطرار به سوء الاختیار این است که کاری بکند که اضطرار مستمر الی آخر الوقت پیدا کند به ترک واجب اختیاری. مثلا وسط وقت آب منحصر را به زمین بریزد تا مضطر بشود به نماز با تیمم. این نماز با تیمم نماز اضطراری است. اگر ثبوتا نماز با تیمم حتی در حال اضطرار ناشی از سوء الاختیار و عمد وافی باشد به تمام ملاک ملزم، مشکلی ندارد. اگر نماز با تیمم حتی در حالی که تعمدا خود را مضطر بکند وافی باشد به تمام ملاک ملزم، عمدا هم انسان می تواند خود را مضطر بکند. و اما اگر وافی نباشد این نماز با تیمم به تمام ملاک ملزم مطلقا یا حداقل در فرضی که اضطرار تعمدا رخ بدهد. طبیعی است که این کار عقلا جائز نیست. چون با اضطرار به سوء الاختیار کاری کرد که دیگر تمام ملاک ملزم نماز با وضوء را استیفاء نمی تواند بکند. مجبور است نماز با تیمم بخواند که وافی است به بعض ملاک ملزم. و این مطلب را فقهاء هم مطرح فرموده اند در عروه در بحث احکام تیمم این مسأله ذکر شده است که لایجوز تعجیز النفس عن الوضوء. حالا قدر مسلم این است که بعد از دخول وقت لایجوز تعجیز النفس عن الوضوء. اما قبل از دخول وقت انسان خود را عاجز کند از وضوء به صورتی که بعد از اذان ظهر فاقد الماء هست این محل بحث است. مربوط می شود به بحث مقدمات مفوته در واجب مشروط. که برخی مثل مرحوم آقای خوئی و استاد ما فرموده اند قبل از اذان ظهر آب منحصر را به زمین بریزید مشکلی نیست چون هنوز تکلیف ندارید. وقتی هم که اذان ظهر شد تکلیف پیدا کردید، نگاه می کنند ببینند شما فاقد الماء هستید، به شما می گویند فلم تجدوا ماءا فتیمموا.

بحث ما در اینجا در این است که در اثناء وقت خود را مضطر بکند وآب منحصر را زمین بریزد. در اینجا صاحب عروه فرموده است: لایجوز تعجیز النفس و لکن لو عصی و عجّز نفسه عن الوضوء صحت صلاته مع التیمم. عروه مسأله 13 از مسائل تیمم.

سؤال وجواب: اطلاق دلیل تیمم می گوید التراب احد الطهورین یجزیک عشر سنین. شامل این فرض هم می شود. ثبوتا معقول است که در این فرض بگویند هم باید نماز با تیمم بخوانی و هم بعد از وقت نماز را قضاء کنی. ثبوتا ممکن است برای استیفاء آن سی درجه ملاک باقیمانده. بحث در این است که اضطرار به سوء الاختیار جائز نیست. ولکن اثباتا ما می گوئیم اطلاق دلیل می گوید این نماز با تیمم مشروع است. ولو عصیان کرد تکلیف به صلاة مع الوضوء را، ولکن بعد از اینکه خود را عاجز کرد وعصیان کرد تکلیف به صلاة مع الوضوء را، اطلاق دلیل تیمم می گوید که صل مع التیمم، و وقتی که این اطلاق دلیل بود لم تفت منه الفریضة. چون فریضه منطبق شد بر این نماز با تیمم. فریضه از او فوت نشده ودلیلی بر وجوب قضاء نداریم.

البته در بحث صوم هم این مسأله مطرح است. کسی عمدا غسل نکرد تا ضیق وقت، قطعا عصیان کرده است. اما حالا که ضیق وقت شد اگر تیمم بکند و داخل بشود اذان صبح ماه رمضان، صومش با تیمم صحیح است، به شرط اینکه تیمم را در ضیق وقت انجام بدهد. عصی ولکن صومه صحیح. چون ظاهر دلیل این است که کسی که جنب بود عمدا باقی بر حدث جنابت نماند، و این آقا هم با تیمم کاری کرد که باقی بر حدث جنابت نبود حین اذان صبح، و صومش صحیح است.

هر چند مرحوم آقای خوئی اشکالی مطرح کرده است، فرموده است که ظاهر دلیل این است که بقاء بر جنابت عمدا مبطل صوم است، واین آقایی که جنب بود وتیمم کرد در ضیق وقت جنابتش از بین نرفت. جنب متیمم جنب است، ولکن جنبٌ متیمم. فرق می کند با غسل جنابت. کسی که غسل جنابت می کند دیگر جنب نیست. اما کسی که تیمم می کند جنبٌ متیمم.

آنوقت ایشان می فرماید: حتی اگر در ضیق وقت از نماز مکلف غسل نمی تواند بکند و باید تیمم کند و نماز بخواند ولی یصلی وهو جنبٌ. حدث ناشی از جنابت با تیمم بطور موقت برداشته می شود اما خود جنابت هست. ولذا می گوید در روایات جماعت هم داریم: عن رجل أمّ القوم بتیمم و هو جنب. ولذا فرموده است در ضیق وقت نماز تیمم می کنی اهلا و سهلا، چون آن چیزی که شرط نماز است رفع حدث جنابت است، چون خود قرآن می گوید "فإن کنتم جنبا فاطهروا" بعد می گوید "فإن لم تجدوا ماءا فتیمموا". اما در مورد صوم شما در ضیق وقت تیمم می کنید شما بقاء بر جنابتت که از بین نمی رود. و چون عمدا غسل را ترک کردی می شود بقاء بر جنابت عمدا، ولذا روزه ات باطل است کفاره هم دارد. (البته ایشان در فتوی به این مطلب ملتزم نشده ولی اشکالی به این شکل مطرح کرده است).

سؤال وجواب: مثل اینکه اگر غسل نکند و تیمم هم نکند باید کفاره بدهد. می گوید این آقا تیمم بکند با اینکه تیمم نکند فرقی نمی کند به لحاظ بقاء بر جنابت. تیمم برای صوم طبعا فائده ای ندارد ومشروع هم نمی شود. ایشان این مبنا را فرموده است.

به نظر ما خلاصه جواب این است که ظاهر ادله این است که تیمم جنابت را بطور موقت برطرف می کند وعرفا جمع بین جنب بودن و متیمم بودن جمع بین متهافتین است. عرفا نمی گویند جنب متطهر. آقای خوئی می گوید تیمم طهور است، التیمم احد الطهورین، کسی که تیمم می کند متطهر است، آنوقت بگوئیم جنب متطهر!. ظاهر ادله این است که تیمم طهور است نه اینکه فقط مبیح باشد. وقتی طهور شد آنوقت بگوئیم جنب متطهر این تهافت است. وقتی شد متطهر، عرفا مادامی که متطهر است دیگر جنب نیست. ولذا حق با فتوای ایشان است. اما آن روایت هم که می گوید عن رجل جنب أمّ القوم بتیمم، یعنی جنب هست لولا التیمم. مثل عن رجل جنب یغتسل فیصلی. نمی خواهد بگوید الان هم که تیمم کرد ومتطهر شد باز همین الان جنب است. نه. جنبِ لولائی است. یعنی لولا این تیمم جنب بود. وعرض کردم که نسبت به کسی که تیمم می کند در روایات ما آمده است که فقد فعل احد الطهورین، متطهر است. معنا ندارد بگوئیم هم متطهر است و هم جنب است. ولذا موقعی که متطهر است دیگر عرفا جنب نیست. ولذا آقای خوئی در فتوایش می گوید تیمم در ضیق وقت در شب ماه رمضان صحیح و مجزی است ولو عمدا غسل را تأخیر بیندازد. در فتوی اینجور می گوید. منتهی یک شرطی می کند می گوید بعد از تیمم نخوابید، چون تا بخوابید تیممتان باطل می شود و می شوید جنب. تیمم بدل از غسل جنابت با حدث اصغر هم باطل می شود. این را از روایات استفاده کرده حتی از آیه هم می خواهد استفاده کند. لذا در فتوی می گوید تیمم بکن بخاطر ضیق وقت یا فقدان ماء، ولی تا اذان صبح قطعی نشده نخواب. چون تا بخوابی انتقض تیمم بدل غسل الجنابة، آنوقت می شود بقاء بر جنابت عمدا.

در اضطرار به سوء اختیار بحث می کردیم که جائز نیست ولو بعد از این اضطرار به سوء الاختیار نماز با تیمم صحیح باشد. مگر اینکه دلیل بگوید که این نماز با تیمم حتی در اضطرار به سوء الاختیار هم وافی به تمام ملاک هست. ولکن این خلاف ظاهر ادله است. والا می شد مثل نماز قصر و تمام. چه جور نماز قصر در سفر وافی به تمام ملاک ملزم نماز هست ولو سفر در اثناء وقت عمدا بکنی. مرحوم آقای بروجردی در یک بحثی اصولی فرموده به نظر ما هیچ فرقی بین سفر در اثناء وقت که نمازش را در داخل شهرش نمی خواند می گذارد می رود بیرون شهر در حال سفر شکسته می خواند که قطعا این کار جائز است، ایشان می گوید به نظر ما این مثال با سائر نمازهایی که نماز اضطراری است فرقی نمی کند. ایشان هم در اصولش برخلاف فقهش صحبت کرده است. نهایة الاصول صفحه 198. جهتی هم این است که ایشان فرموده: ما یک امر بیشتر نداریم، آن امر هم رفته است روی طبیعت نماز، اقیموا الصلاة. آنوقت ایشان فرموده: نماز اختیاری یک مصداق است برای نماز در حق مختار. نماز اضطراریه یک مصداق است از نماز برای مضطر. اما ما یک امر بیشتر به طبیعی نماز نداریم. ولذا گفته است کسی که اول وقت آب دارد، مصداق نماز او نماز با وضوء است. چه اشکال دارد، عمدا آبش را بریزد زمین، اخر وقت مصداق نماز او می شود نماز با تیمم. عدل عن مصداق الی مصداق آخر. شارع هم که فقط امر کرده به ایجاد طبیعت نماز. طبیعت نماز را هم که ایجاد کردیم. بله اگر آب دارم و می روم نماز با تیمم می خوانم او اصلا مصداق نماز نیست. نماز با تیمم مصداق نماز است برای فاقد الماء. اما من در آخر وقت فاقد الماء بشوم نماز با تیمم مصداق نماز است برای من. ولذا آقایان گفته اند نماز با تیمم اول در آخر وقت صحیح است ولو عمدا آب منحصر را به زمین بریزد. ایشان فرموده مقتضای قاعده ای که فقیه باید فتوی بدهد این است که چه اشکالی دارد؟ تعجیز نفس در اثناء وقت هیچ محذوری ندارد. چون عدل عن مصداق الی مصداق آخر. کما أن الحاضر یعدل عن صلاة التمام الی صلاة القصر فی السفر اختیارا.

اقول: واقعا این فرمایش آقای بروجردی درست است خلاف فتاوای فقهیه اش هست ولکن روی نظر خودش خیلی درست است. چون ایشان می گوید یک امر رفته است روی طبیعت نماز. طبیعی است که اصلا مصادیق امر ندارد. عدول می کنم از این مصداق اختیاری به مصداق اضطراری.

ولکن این خلاف مقتضای ادله فقهیه است. مقتضای ادله فقهیه این است که آن مصداق اختیاری امر دارد. نه اینکه ما یک امر داریم به طبیعت صلاة که اقیموا الصلاة. نخیر، مفاد روایات وآیه این نیست. مثلا روایت می گوید إذا قوی فلیقم. کسی که قدرت دارد بر نماز ایستاده باید نماز ایستاده بخواند. و این آقایی که اول وقت می تواند نماز ایستاده بخواند قدرت دارد بر نماز ایستاده. پس باید نماز ایستاده بخواند. امر دارد که نماز ایستاده بخوان. خب این امر را چرا عصیان می کند. می گذارد اثناء وقت عاجز بشود از قیام بعد برود نماز نشسته بخواند. بله نماز نشسته بعد از تعجیز نفس صحیح است اما این حق ندارد امر به صل قائما را عصیان بکند.

پس نتیجه این شد که به نظر ما برخلاف آنچه که آقای بروجردی در اصول فرموده، اضطرار به سوء الاختیار جائز نیست. چون اینکه بگوئیم فرد اضطراری وافی است به تمام ملاک واقع حتی در فرض اضطرار به سوء الاختیار، این احتمال خلاف مقتضای ادله است.

این طبق فرض اول و دوم در امر اضطراری بود.

طبق فرض سوم و چهارم که فرد اضطراری وافی به تمام ملاک ملزم نیست بلکه وافی به بعض ملاک ملزم است، اینجا هم قطعا اضطرار به سوء الاختیار جائز نیست. چرا؟ برای اینکه فرض این است که بعض ملاک ملزم در آن نماز اختیاری فوت می شود. وکسی که اضطرار می کند به سوء الاختیار، خب این دارد بعض ملاک ملزم را در آن نماز اختیاری تفویت می کند که عقلا جائز نیست.

بعد از فراغ از بحث ثبوتی کلام واقع می شود در بحث اثباتی.

ما در بحث اثباتی دو مسأله داریم:

مسأله اولی: در اضطرار غیر مستوعب است. اول وقت عاجز از نماز ایستاده است، در آخر وقت قادر است بر نماز ایستاده.

مسأله دوم هم اضطرار مستوعب است.

اما المسألة الاولی: در اضطرار غیر مستوعب ما استظهارمان از ادله این است که ظاهر خطاب امر اضطراری این است که کسی که عاجز است از فرد اختیاری عجزا مستوعبا او موضوع است. إذا قوی فلیقم ظاهرش این است که کسی که قدرت دارد بر صرف الوجود نماز ایستاده، باید نماز ایستاده بخواند. کسی نماز نشسته می خواند که از صرف الوجود نماز ایستاده در داخل وقت عاجز بشود. ظاهر إذا قوی فلیقم این است.

خب شما الان اول وقت است خسته ای نمی توانی نماز ایستاده بخوانی، نیم ساعت استراحت کن تا بتوانی نماز ایستاده بخوانی. تو مشمول خطاب المریض یصلی جالسا نیستی. ظاهر المریض یصلی جالسا چون بدل اضطراری است یعنی کسی که از صرف الوجود وجمیع افراد نماز اختیاری عاجز است. مناسبت حکم وموضوع این را می گوید. وقتی به کسی می گویند آش بپز، اگر نمی توانی آب گوشت بپز، خب این یعنی تا آخر وقت نمی توانی آش بپزی. والا ساعت هفت صبح نمی تواند آش بپزد چون مغازه ها بسته است رشته نیست، خب صبر کند ساعت نه مغازه ها باز می کنند برود وسائل تهیه آش را بخرد بیاید اش بپزد. ظاهر اینکه اگر می توانی آش بپز اگر نمی توانی آبگوشت بپز این است که نمی توانی صرف الوجود آش را ایجاد کنی الی آخر الوقت. ظاهرش این است دیگر.

حتی آیه تیمم می گوید "یا ایها الذین آمنوا إذا قمتم الی الصلاة ... فلم تجدوا ماء فتیمموا". آقای خوئی در تنقیح اول کتاب طهارت فرموده اگر ما باشیم و این آیه، می گوئیم حین القیام الی الصلاة آب نداری برو تیمم کن ولو اول وقت. ولکن روایات می گوید المسافر یطلب الماء مادام فی الوقت.

اقول: انصافا این برداشت خلاف ظاهر آیه است. ظاهر آیه هم این است که فلم تجدوا ماءا یعنی متمکن از نماز با وضوء در تمام وقت نباشی. مناسبت حکم وموضوع این است. این بدل اضطراری است. ظاهرش این است. المریض یصلی جالسا، من الان مریض هستم ساعت دو بعد از ظهر دکتر می ای آمپول می زند از همه شما بهتر می ایستم، انصافا آیا المریض یصلی جالسا این است؟! ظاهرش این است که المریض الذی لایتمکن من الصلاة قائما فی الوقت، در مقابل إذا قوی فلیقم.

به نظر ما اصلا در اضطرار غیر مستوعب امر اضطراری نداریم تا نوبت برسد به اینکه بگوئیم مجزی هست یا مجزی نیست.

بله یک بحثی هست و آن اینکه زنها در حج روز عید قربان می آیند کنار جمرات جمعیت موج می زند آدم خفه می شود برود داخل جمعیت، می گویند ازدحام جمعیت است نمی توانیم رمی جمره کنیم. می گویند اگر تا چند ساعت دیگر صبر کنید می توانید؟ اگر بگوید بله می توانم، خب همین مسأله این است که ما می گوئیم ظاهر دلیل که می گوید من لایقدر علی رمی الجمرة یستنیب یعنی من لایقدر علی صرف الوجود رمی الجمرة. این هم قادر است. اما اگر بگوید نمی دانم شک دارم. آقای خوئی فرموده: استصحاب استقبالی بکند. الان شما عاجزی از رمی جمره. استصحاب استقبالی می گوید عجز تو از رمی جمره تا غروب آفتاب باقی خواهد ماند. درست است. پس موضوع دلیل این شد که العاجز عن رمی الجمرة الی غروب اللیل یستنیب. با استصحاب موضوع را درست کردیم. بعد هم برو پرس وجو نکن تا کشف خلاف بشود نشود. چون اگر کشف خلاف بشود آنوقت بحث إجزاء امر ظاهری استصحابی پیش می آید که آیا امر ظاهری مجزی است از امر واقعی یا نه. آقای خوئی می گوید مجزی نیست. اما برو از هیچ کس نپرس وبگیر بخواب. هر کسی هم پرسید بگو من نمی دانم چیست استصحاب استقبالی کردم و راحت.

آقای خوئی می گوید در این مثال کشف خلاف مشکل دارد، اما بعضی جاها کشف خلاف هم بشود مشکل ندارد. مثل اینکه اول وقت لباس پاک نداری، شک داری تا آخر وقت لباس پاک پیدا می کنی یا نه. بگو الان عاجزم از نماز در لباس پاک، استصحاب می گوید تا غروب هم عاجز خواهم بود. نماز بخوان در همین لباس نجس. بعد که گفتی السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته خانمت گفت بیا لباس پاک برایت آوردم. می گوئی دیگر من نماز خواندم تمام شد، حدیث لاتعاد گفت این نماز صحیح است. چرا؟ برای اینکه اخلال به شرط طهارت ثوب عن عذر بوده است. وحدیث لاتعاد می گوید نماز با اینجور چیزها باطل نمی شود. السنة لاتنقض الفریضة. طهارت ثوب و بدن از خبث جزء ارکان که نیست.

محقق عراقی ره در کتاب فروع علم اجمالی مطلبی فرموده است، ولی این مطلبش مورد قبول بزرگانی مثل آسیدعبدالهادی شیرازی و آقای سیستانی قرار گرفته است. این بزرگواران می گویند ما با استصحاب استقبالی مشکل نداریم. مثلا زنی الان طاهر است شک می کند تا غروب آفتاب حیض می شود یا نه، استصحاب بکند که من حیض نمی شوم، اثرش این است که امروز باید روزه بگیرد. چون استصحاب اثبات کرد که تا غروب آفتاب طاهر است فیجب علیها الصوم. چون دلیل استصحاب اطلاق دارد، ندارد که استصحاب استقبالی نباشد. لاتنقض الیقین بالشک. اما اینجا استصحاب استقبالی مشکل دارد. اشکالشان را من تقریب بکنم چون من خودم هم قبول دارم:

اشکالشان این است که می گویند: ظاهر دلیل که می گوید إذا قوی فلیقم چیست؟ یعنی یجب الصلاة قائما علی من قدر علی ذلک. یعنی قدر علی صرف الوجود نماز ایستاده. مثل چی؟ مثل اینکه می گوئید واجب است بر شما فردا نان بخری برای ظهر اگر قادر باشی. اینجا هم می گوید بر تو واجب است نماز ایستاده بخوانی در داخل وقت اگر قادر باشی. یا در مثال رمی به آن زن می گویند بر تو واجب است خودت رمی جمره بکنی در روز عید اگر قادر بر این باشی.

حالا مسئلة: این زن یقین دارد که عاجز از رمی جمره در روز عید قربان است؟ یقین دارد؟ نه. استصحاب اسقبالی یک رکنش یقین به حدوث است، اول باید بگوئیم من الان یقین دارم که عاجزم از رمی جمره در روز عید قربان. شما می گوئی من عاجزم از رمی جمره در ساعت هفت صبح. اینکه موضوع حکم نیست. آن چیزی که بر شما واجب است رمی جمره در روز عید قربان است نه رمی جمره در ساعت هفت صبح. رمی جمره در روز عید قربان به نحو صرف الوجود بر شما واجب است. آیا شما می توانی قسم بخوری که من عاجزم از رمی جمره در روز عید قربان؟ نه، شاید قادر باشم. پس چه جور می گوئید ما یقین به حدوث عجز داریم؟ آن چیزی که یقین به حدوث عجز از او داری عجز از یک فرد است. عجز از رمی جمره است در ساعت هفت صبح. شما او را یقین دارید. اما عجز از یک فرد مساوق با عجز از صرف الوجود نیست.

من از شما سؤال می کنم پدر شما به شما گفت یجب علیک که فردا نان بخری برای نهار إذا قدرت علی ذلک. الان هم روزی است که نانوائی ها همه بسته است فردا باز می کند. اگر از شما بپرسند آیا فردا می توانی نان بخری چی جواب می دهی؟ می گوئی بله من فردا می توانم نان بخرم. چرا؟ برای اینکه شما ولو آخر وقت فردا ساعت دوازده ظهر نانوائی ها باز می کند و قادر باشی بر یک فرد و مصداق که بتوانی نان بخری در فردا، از همین الان صادق است که تو قادری بر این طبیعت نان خریدن در فردا.

وقتی اینجور شد می گوئیم جناب آقای خوئی! محقق عراقی خوب گفت و آسید عبدالهادی شیرازی هم با آن عظمت علمی خوب قبول کرد که شما آن چیزی که الان یقین داری عجز از فرد اول وقت است نه عجز از صرف الوجود طبیعت. همان زنی که اول وقت آمد دید نمی تواند رمی کند، عاجز است از رمی جمره در اول روز. ولذا اگر بداند که بعد از ظهر خلوت است، از او بپرسند آیا تو از رمی جمره در روز عید عاجزی؟ می گوید نه، می روم خیمه تا ظهر استراحت می کنم بعد از ظهر می آیم رمی جمره در روز عید می کنم. من عاجز نیستم. خب وقتی این خانمی که می داند بعد از ظهر می تواند رمی جمره بکند با ضرس قاطع می گوید أنا قادر، نمی گوید أنا سأقدر، می گوید أنا قادر علی رمی الجمرة فی یوم العید چون قدرت بر فرد آخر وقت دارم. خب آن زنی هم که شک دارد او هم می گوید من شک دارم که قادر علی رمی الجمرة یوم العید أو عاجز، خب شک در حدوث عجز و قدرت هست. چه جور ما بگوئیم استصحاب می کنیم بقاء عجز را؟

ولذا یقین به حدوث عجز از طبیعت و صرف الوجود هیچوقت ندارم تا بخواهم او را استصحاب کنم. آن چیزی که من یقین دارم عجز از فرد اول وقت است و او هم موضوع حکم شرعی نیست. بله اگر استصحاب عدم ازلی را قبول کنید، این زن می گوید آن وقتی که من نبودم قدرت بر رمی جمره روز عید هم نداشتم چون اصلا نبودم تا قدرت داشته باشم یا نه. اگر استصحاب عدم ازلی را قبول دارید جاری کنید، بگوئید هذه المرأة قبول تولدها و قبل وجودها لم تکن قادرة علی رمی الجمرة فی یوم العید فی هذه السنة والان کما کانت. اما ما در استصحاب عدم ازلی اشکال داریم، این آقایان هم خواسته اند استصحاب عدم نعتی جاری کنند که به نظر ما درست نیست.

ولذا همانطور که آقای سیستانی هم فتوی داده یجب علی هذه المرأة الانتظار، مگر اینکه انتظار برای او حرجی باشد. والا اگر احتمال می دهد بعد از ظهر قادر بشود بر رمی جمره باید انتظار بکشد و احتیاط کند. والحمد لله رب العالمین.